

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَحَدُ عَشَرَ آيَةً اثْنَا عَشَرَ

به اسم الله رحمان رحيم

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ

سبحان بذاتیکه سفر کرد با عبد خود شب از مسجد حرام

إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ الْإِنبَاءِ

الی مسجد اقصا که برکت دادیم حول آنرا تا بنمائیم برایش از آیات خود. یقیناً او

هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ<sup>①</sup> وَآتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى

هست شنوای بصیر \* و دادیم موسی را کتاب و ساختیم آنرا هدایت

لِبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِي وَكَيْلًا<sup>②</sup> ذُرِّيَّةً مَنْ

برای بنی اسرائیل: "هرگز نکنید اتخاذ بدون من و کیلی!" \* فرزندان آنانکه

حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ<sup>③</sup> إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا<sup>③</sup> وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي

حمل کردیم با نوح! یقیناً او بود بنده شاکر \* و فیصله کردیم برای بنی

إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ

اسرائیل در کتاب که میکنید فساد در زمین دو مرتبه و میکنید علو،<sup>۱</sup>

عُلُوًّا كَبِيرًا ④ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا نَجَّا

علو کبیر \* وقتی آمد وعده اول آن دو، بعث کردیم علیه شما عباد خود را،

أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا ⑤

توانگر جنگ شدید، که گذشتند خلال دیار. و بود وعده فاعل شدنی\*

(۱) علومیکنید: خود را نسبت ب دیگران عالی و بهتر می پندارید.

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَ

باز دادیم بشما نوبت بر آنها و مدد کردیم شمارا با اموال و فرزندان و

جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا ۖ ﴿٦﴾ إِنَّ أَحْسَنَكُمْ أَحْسَنَكُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَقَف

ساختیم شمارا با کثرت نفرها \* اگر احسان میکنید احسان میکنید بنفس خود

وَأَنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءَ وُجُوهَكُمْ

و اگر بد میکنید بر آنست. <sup>۱</sup> وقتی آمد وعده بعدی تا کنند خراب روهای شمارا

(۱) که احسان میکنید به نفس خود میکنید همچنان اگر بد میکنید به نفس خود میکنید.

وَلِيَدُ خُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبَرُوا مَا عَلِمُوا

و شوند داخل بمسجد طوریکه داخل شدند اول مرتبه و کنند تباہ آنرا که علو کردند

تَتَّبِعُوا ۷ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدْتُمْ عَدْنَا فَمَجْعَلْنَا

کاملاً تباہ \* شاید رب شما رحم کند بر شما. و اگر عودت کردید عودت میکنیم. و ساختیم

جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا ۸ إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي

جهنم را برای کافران زندانی \* یقیناً این قرآن میکند هدایت بر آنچه

هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ

هست راست و میدهد بشارت مؤمنین را که میکنند اعمال صالح یقیناً

لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا<sup>۹</sup> وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا

برای آنهاست اجر کبیر\* و برای کسانی که ندارند ایمان به آخرت آماده کردیم

لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا<sup>۱۰</sup> وَيَدْعُ الْإِنْسَانَ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ<sup>ط</sup>

برایشان عذاب الیم\* و میکند دعا انسان به شر دعایش را که بخیر کند.

وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا ۝ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ

و هست انسان در عجله \* و ساختیم شب و روز را دو نشانه،

فَمَكُونَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا

باز محو کنیم نشانه شب را و سازیم نشانه روز را آشکارا تا کنید سراغ فضلی

مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ ۗ وَكُلَّ شَيْءٍ

از رب خود تا بدانید علم از عدد سال ها و حساب. و کل اشیا را

فَصَلْنَاهُ تَفْصِيلاً<sup>۱۲</sup> وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ<sup>ط</sup>

تفصیل دادیم مفصلاً \* و به هر انسان لازم ساختیم برایش شامت او را در گردنش.

وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا<sup>۱۳</sup> أَقْرَأُ كِتَابِكَ<sup>ط</sup>

و کنیم خارج برایش یوم قیامت کتابی، شود انداخته پیشش منشور<sup>۱</sup> \* کن قرائت کتابت را.

كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا<sup>۱۴</sup> مَن اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا

کافیست نفس تو امروز علیه تو حسیب. \* هر که هدایت میشود یقیناً

(۱) منشور: بنشر رسیده، نوشته آشکار که همه بتوانند بخوانند.

يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ

میشود هدایت برای نفس خود و هر که گمراه شود یقیناً میشود گمراه علیه آن. و نمی بردارد

وَأِزْرَةً أُخْرَىٰ ط وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا ﴿١٥﴾

بردارنده بار دیگری را. و نیستیم عذاب کننده حتی کنیم بعث رسولی \*

وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا

چون اراده کنیم که کنیم هلاک قریه را امر میکنیم متمولین آنرا تا فسق کنند آنجا

فَحَقِّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا<sup>۱۶</sup> وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ

پس حق شود بر آنها قول پس تباہ کنیم آنها را کاملاً تباہ \* و چند کردیم هلاک از

الْقُرُونِ مِنْ بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا

قرن ها از بعد نوح. و کافی باشد رب تو بگناهان عبادش خبیر

بَصِيرًا<sup>۱۷</sup> مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ

بصیر \* هر که دارد اراده عاجل، معجل کنیم برایش آنجا آنچه خواهیم،

لِئِنْ تُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مِذْمًا

بهر که کنیم اراده، باز میسازیم برایش جهنم را. بسوزد در آن نکوهیده

مِّدْحُورًا ۱۸ وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ

رانده شده \* و هر که دارد اراده آخرت را وسعی کند برایش، سعی آنرا، و او باشد

مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا ۱۹ كَلَّا سِعْدُ هَؤُلَاءِ

مؤمن پس آنهاست سعی آنها مشكور \* بكل کنیم زیاد، اینهارا

وَهُؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ ۖ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا ﴿۲۰﴾

و اینهارا از عطاء رب تو. و نباشد عطاء رب تو محظور<sup>۱</sup>\*

أَنْظُرُ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ ۖ وَلَآخِرَةُ أَكْبَرُ

بکن نظر چطور فضیلت دادیم بعضی آنها را بر بعضی. و در آخرت است بزرگتر

دَرَجَاتٍ ۗ وَ أَكْبَرُ تَفْضِيلًا ﴿۲۱﴾ لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعَدَ

درجات و بزرگتر فضیلت \* نه ساز با الله الة دیگری که بنشیننی

(۱) محظور: محدود، منحصر، منع شده، جلوگیری شده.

مَذْمُومًا فَخُذْ وَلَا ۴ ﴿۲۲﴾ وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ

نکوہیدہ ترک شدہ \* وقضاء کرد<sup>۱</sup> رب تو: هرگز نکنید عبادت إلا اورا و

بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ۖ إِمَّا يَبُلُغْنِ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ

با والدین کنید احسان. اگر برسد نزدت به کبرسن یکی آنها یا

كُلُّهُمَا فَاَلْقِ لَهُمَا فِئًا ۖ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا

هردوی آنها هرگز نگو برای آنها ف و نکن ترک آنها را و بگو برای آنها سخن

(۱) وقضاء کرد: حکم کرد، فیصله کرد.

کَرِيمًا ﴿٢٣﴾ وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّكْرِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ

کریم \* و پائین کن بر آنها بال تواضع از رحمت و بگو

رَبِّ اَرْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا ﴿٢٤﴾ رَبُّكُمْ اَعْلَمُ بِمَا فِي نَفُوسِكُمْ ط

ربم بکن رحم بر آنها چون پروردند مرا بطفلی. \* رب شما دارد علم آنچه در نفسهای شماست.

اِنْ تَكُونُوا صٰلِحِيْنَ فَاِنَّهٗ كَانَ لِلْاَوٰاِبِيْنَ غَفُوْرًا ﴿٢٥﴾ وَاٰتِ

اگر باشید صالحین بازیقیناً اوست بر رجوع کنندگان غفور \* و بده

ذَاقُرْبِي حَقًّا وَالْيَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا ﴿٢٦﴾

به اقارب حق آنها را و مسکین را و درمانده را و نکن اسراف، اسرافانه\*

إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ ط وَكَانَ الشَّيْطَانُ

یقیناً اسراف کنندگان هستند اخوان شیاطین. و هست شیطان

لِرَبِّهِ كَفُورًا ﴿٢٧﴾ وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِّنْ رَبِّكَ

بر رب خود ناسپاس\* و اگر روگردانی از آنها برای دریافت رحمتی از رب خود،

تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا ﴿٢٨﴾ وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً

که خواهی آنرا، بگو به آنها سخن ملایم \* و نه ساز دستت را غلیده

إِلَى عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا ﴿٢٩﴾

بر گردنت و نه بساط ده آنرا بكل بساطش تابنشینی ملامت حسرت بار \*

إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ

یقیناً ربت دهد بسط به رزق هرکرا خواهد و کندکم. یقیناً اوست بر عباد خود

خَيْرًا بَصِيرًا<sup>٤</sup> وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ<sup>ط</sup> نَحْنُ

خبیر بصیر \* و نکنید قتل اولاد خود را از ترس تنگدستی. ما خود

نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ<sup>ط</sup> إِنْ قَتَلْتَهُمْ كَانَ خِطَاً كَبِيراً<sup>٣١</sup> وَلَا تَقْرَبُوا

دهیم رزق آنها را و شمارا. یقیناً قتل آنهاست خطا کبیر \* و نشوید قریب

الزَّانِيَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً<sup>ط</sup> وَسَاءَ سَبِيلًا<sup>٣٢</sup> وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ

به زنا یقیناً آنست فحاشی. و بد سبیل است \* و نکنید قتل نفسی را

الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا

که حرام کرده الله الا برحق. و هر که شود قتل مظلومانه یقیناً داده ایم

لِوَلِيِّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا ﴿٣٣﴾

به ولی او سلطه پس نکند اسراف در قتل. یقیناً او میشود منصور \*

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ

و نشوید قریب بمال یتیم الا طوریکه هست احسن حتی شود بالغ

أَشُدَّهُ<sup>ص</sup> وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا<sup>٣٤</sup> وَأَوْفُوا

بقدرت خود و کنید وفا برعهد. یقیناً عهد را میباید مسؤولیت \* و کنید وفا

الْكَيْلَ إِذَا كَلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ السُّبُطِ الْمُسْتَقِيمِ<sup>ط</sup> ذَلِكَ خَيْرٌ

به پیمانہ چون پیمانہ کنید، وزن کنید با ترازوی مستقیم. اینست خیر

وَإِحْسَنُ تَأْوِيلًا<sup>٣٥</sup> وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ

و احسن در تأویل<sup>۱</sup> \* و نشو پیروی آنچه نیست ترا برآن علم. یقیناً گوش

(۱) در تأویل: در عقوبت، در محتوی.

وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا ﴿٣٦﴾ وَلَا تَمْسَسْ

و چشم و دل، کل آنها هستند از آن مسؤل \* و نکن گردش

فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَن تَبْلُغَ الْجِبَالَ

در زمین پر نشاط. یقیناً نتوانی بشگافی زمین را و نتوانی بافزائی بر کوه

طُولًا ﴿٣٧﴾ كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا ﴿٣٨﴾ ذَلِكَ بِمَا

طولی \* کل اینها اند گناهانیکه نزد رب توست مکروه \* اینست آنچه

أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا

وحی کرد بتو رب تو از حکمت. و نه ساز با الله الهه

أُخْرَ قَتَلْتَنِي فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا<sup>۳۹</sup> أَفَأَصْفُكُمْ رَبُّكُمْ

دیگری، میشوی انداخته در جهنم ملامت و رانده شده \* آیا برگزیند شمارا رب شما

بِالْبَيْنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَاثًا<sup>ط</sup> إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا

با پسران و کند اتخاذ از ملائک اناث را. یقیناً می گوئید سخنی

عَظِيمًا ۴۰ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ

عظیمی\* و یقیناً صرف کردیم در این قرآن تا شوند متذکر. و نکند زیاد برایشان

إِلَّا نُفُورًا ۴۱ قُلْ لَوْ كَان مَعَهُ إِلَهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذًا لَابْتِغَوْا

إلا فرار را\* بگو اگر باشد همراهی او الهه، قراریکه میگویند، آنگاه خواهند جست

إِلَى ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا ۴۲ سُبْحٰنَهُ وَتَعَالٰی عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا

سوی صاحب العرش راهی\* سبحان او را و بس عالی است از آنچه میگویند، با علو

(۱) یعنی گناهی کبیرست.

كَبِيرًا ۴۳ تَسْبِيحًا لَهُ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ ط

کبیر \* کند سبح اورا سماوات هفت گانه و زمین و هر که در آنست.

وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ ط

و نیست کدام شیء إلا کند سبح بحمد او و لاکن نمی فهمید تسبیح آنها را.

إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ۴۴ وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَ

یقیناً اوست حلیم غفور \* و چون قرائت کنی قرآن را میسازیم بین تو و

بَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ جَابًا مَّسْتُورًا<sup>٤٥</sup> وَجَعَلْنَا

بین کسان بدون ایمان به آخرت حجاب مستور\* و میسازیم

عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا

بر قلبهای آنها پوششها که نفهمند آنرا و در گوشهای آنها سنگینی. و هرگاه

ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوْ عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا<sup>٤٦</sup>

ذکر کنی ربترا در قرآن که یکتاست میگردند بر پشت های خود بفرار\*

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَبِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ

ما داریم علم آنچه میدهند گوش به آن، وقتی میدهند گوش بتو، و چون آنها

نَجْوَى إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا ﴿٤٧﴾

نجوا کنند، وقتی میگویند ظالمان "نمیکنید متابعت الا مردی سحر شده را" \*

أَنْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ

نظر کن چگونه می زنند برایت مثالها پس گمراه شده اند و ندارند استطاعت

سَبِيلًا ﴿٤٨﴾ وَقَالُوا إِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا إِنْ نَأْتِنَا بِمَبْعُوثُونَ خَلْقًا

سبیلی \* و گویند چون شدیم استخوان و فرسوده آیا ما باز میشویم بعث خلق

جَدِيدًا ﴿٤٩﴾ قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا ﴿٥٠﴾ أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ

جدیدی \* بگو باشید سنگی یا آهنی \* یا خلقتی از آن کبیرتر

فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَنْ يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ

در سینه های خود. باز میگویند "کی میدهد عودت مارا". بگو آنکه آفرید شمارا

(۱) از قرآن عظیم احساس میشود که صدر مرکز علم، تفکر و سنجش است و قلب مرکز محبت، احساسات و جذبات.

أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ

اول مرتبه. باز می جنبانند بسویت سرهای خود را و میگویند کی است آن.

قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَرِيبًا ۝۵۱ يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِ

بگو شاید که باشد قریب \* روزیکه کند دعوت شمارا می کنید استجابت بحمدش

وَتَذُنُّونَ إِنَّ لِبَشَرِكُمْ إِلَّا قَلِيلًا ۝۵۲ وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي

و می پندارید که نکردید درنگ الا قلیل \* و بگو برای عبادم بگوئید آنچه

هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ

هست احسن. یقیناً شیطان میآرد نزاع بین آنها. یقیناً شیطان هست

لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا ﴿٥٣﴾ رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِنَّ يُشَاءُ بِرَحْمَتِكُمْ

برای انسان دشمن آشکارا \* رب شما علم دارد بر شما. اگر خواهد میکند رحم بر شما

أَوْ إِنَّ يُشَاءُ عَذَابُكُمْ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا ﴿٥٤﴾ وَرَبُّكَ

یا اگر خواهد میکند عذاب شمارا. و نکردیم ارسال ترا بر آنها و کیلی \* و رب تو

أَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ

دارد علم بر هر که در سماوات و زمین است. و یقیناً فضیلت دادیم بعضی انبیاء را

عَلَىٰ بَعْضٍ ۖ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا ۗ ۝۵۵ قُلْ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ

بر بعضی و دادیم داود را زبور \* بگو دعا کنید آنرا که بزعم شماست

مِّنْ دُونِهِ ۚ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا ۗ ۝۵۶

بجای او؛ مگر نیستند مالک بر کشف ضرر از شما و نه بر تحویلی \*

أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ

آنها اند کسانیکه میکنند دعا، می جویند نزد رب خود وسیله که کدام آنها اند قریب،

وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَ اللَّهِ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ

و می خواهند رحمت او را و دارند خوف عذاب او را. یقیناً از عذاب رب تو باید

مَحْذُورًا ﴿٥٧﴾ وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

کرد حذر \* و نیست هیچ قریهٔ الا ما خود کنیم هلاک آنرا قبل یوم قیامت

أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ﴿٥٨﴾

یا کنیم عذاب آنرا، عذاب شدید. هست این همه در کتاب مسطور \*

وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأُولُونَ ط

ونشد مانع مارا که کنیم ارسال آیات را إلا که تکذیب کردند بر آن اولیان.

وَآتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا ط وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ

و دادیم به ثمود ناقه آشکارا مگر ظلم کردند براو. و نمیکنیم ارسال آیات را

إِلَّا تَخْوِيفًا ۵۹ وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا

إلا برای تخویف\* و چون گفتیم بتو یقیناً رب تو کرده احاطه مردم را. و نه ساختیم

الرُّعْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ الْإِفْتِنَةَ لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي

آن رؤیارا که دادیم نشانت إلا برای آزمایش مردم، و شجره ملعونه در

الْقُرْآنِ وَنُخَوِّفُهُمْ لَّا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا ۶۰ وَإِذْ قُلْنَا

قرآن. و کنیم تخویف آنها را، مگر نکند زیاد بر آنها إلا طغیان کبیری\* و چون گفتیم

(۱) یعنی شب معراج که توسط آن مردم مورد آزمایش قرار گرفتند.

لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدْ وَإِلَادِمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ أَسْجُدْ مَنْ

برای ملائک "کنید سجده به آدم" و سجده کردند إلا ابلیس. گفت آیا کنم سجده بآنکه

خَلَقْتَ طِينًا<sup>۶۱</sup> قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَنْ يَرِي

خلق کردی از گل \* گفت آیا می بینی اینرا که کرامت داده ای بر من. اگر

أَخَّرْتَنِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لِأَحْتَسِبَنَّ<sup>۶۲</sup> إِلَّا قَلِيلًا قَالَ

دهی تأخیرم تا یوم قیامت باز لگام<sup>۱</sup> میاندازم فرزندانشرا إلا قلیل آنها را \* گفت

(۱) لگام: قیضه، دهنه.

اَذْهَبْ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاءُكُمْ جَزَاءً مَوْفُورًا ﴿٦٣﴾

برو هر که شود تابع تو از آنها یقیناً جهنم جزاء شماست جزاء بس وافر\*

وَاسْتَفِزُّ مَنِ اسْتَطَاعَتْ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمُ

تحریک کن هر که استطاعت داری از آنها بصوت خود و جالب ساز برایشان

بِخَيْبِكَ وَرَجْلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدُ هُمْ

سواران و پیادگان خود را و شریک شو آنها را در اموال و اولاد و وعده کن برایشان.

وَمَا يَعِدُّهُمْ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ۖ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ

و نکند وعده آنها را شیطان إلا غرور \* یقیناً عبادم را نباشد از تو بر آنها

سُلْطَانٌ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا ۖ رَبُّكُمْ الَّذِي يُزْجِي لَكُمُ الْفُلْكَ

سلطه ئی. و کافی باشد بر رب تو و کالت \* رب شماست آنکه میراند برایشما کشتی را

فِي الْبَحْرِ لَتُبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ۖ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ۖ وَإِذَا

در بحر تابدست آرید از فضل او. یقیناً اوست بر شما رحیم \* وقتی

مَسَّكُمْ الضَّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِيَّاهُ فَلْيَا نَجِّكُمْ

مس کند بشما ضرر در بحر، گم شود هر کرا میکنید دعاِ اِلا او. وقتی نجات داد شمارا

إِلَى الْبِرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا ﴿٦٧﴾ أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يَخْسِفَ

به خشکه اعراض میکنید. و هست انسان کفور<sup>۱</sup> \* آیا ایمن هستید که کند غارت

بِكُمْ جَانِبَ الْبِرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ

شمارا به جنب بر یا کند ارسال علیه شما، طوفانی، آنگاه نمی یابید برای خود

(۱) کفور: ناسپاس

وَكَيْلًا ﴿٦٨﴾ أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَى فَيُرْسِلَ

وکیلی \* آیا ایمن هستید اگر دهد عودت شمارا به آن بار دیگر باز کند ارسال

عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِّنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُمْ بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا

علیه شما طوفانی از تند باد تا کند غرق شمارا چون کردید کفر، آنگاه نمی یابید

لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا ﴿٦٩﴾ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ

برای خود علیه ما بر آن تابع ای \* و یقیناً کرم کردیم بر بنی آدم و حمل کردیم آنها را در بر

(۱) در آن روز مقابل ما برای خود تابع پیدا کرده نمیتوانید که شمارا از غرق شدن نجات دهد.

وَالْبَحْرُ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ

و بحر و رزق دادیم آنها را از پاکی ها و فضیلت دادیم آنها را بر کثیر از آنچه

خَلَقْنَا تَفْضِيلًا ۷۰ يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ فَمَنْ

خلق کردیم، فضیلت زیاد \* روزی کنیم دعوت کل مردم را با امام آنها، باز هر که

اُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَاُولَٰئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ

داده شود کتابش بدست راستش، آنها کنند قرائت کتاب خود را و نشود ظلم بر آنها

(۱) امام: پیشوا، مرشد، صوانح، اعمال نامه، کتاب.

فَتِيلاً<sup>(۷۱)</sup> وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ

فتیله ای<sup>۱</sup> \* وهر که هست در اینجا کور باز اوست در آخرت کور

وَأَضَلُّ سَبِيلًا<sup>(۷۲)</sup> وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أَوْحَيْنَا

و بس گم راه \* و نزدیک بود فریب دهند ترا از آنچه کردیم وحی

إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَةً<sup>(۷۳)</sup> وَإِذَا لَمْ تَحْذَرُوا خَلِيلًا<sup>(۷۳)</sup> وَلَوْلَا

بتو تا کنی افتراء بر ما غیر از آن ؛ آنگاه می گرفتند ترا خلیل \* و اگر نمی

(۱) فتیله: تار باریک شمع، چراغ و غیره (پلته)، تار باریک خسته خرما.

أَنْ تَبَيَّنَكَ لَقَدْ كُنْتَ تَرْكُنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا ۷۴ إِذَا أَرَادْتَ فِعْلًا

کردیم با ثبات ترا یقیناً میکردی میلان به آنها چیزی قلیل \* آنگاه میدادیم ذائقه ترا

ضَعْفَ الْحَيَاةِ وَضَعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْهَا نَصِيرًا ۷۵

مضاعف درحیات و مضاعف درمات باز نمی یافتی برایت علیه ما نصیری \*

وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِذَا

ونزدیک بود که بترسانند ترا از آن زمین تاکنند خارجت از آن و آنگاه

لَا يَلْبِثُونَ خَلْفَكَ إِلَّا قَلِيلًا ۞ سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ

نمی پائیدند بعد از تو الا قلیل \* سنتی است که بر آن ارسال کردیم قبل از تو

مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا ۞ أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ

از رُسل خود و نمی یابی در سنت ما تحولی \* برپا کن صلاة را از زوال

الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ

شمس تا تیرگی شب و قرآن را در فجر. یقیناً قرآن فجر است

مَشْهُودًا<sup>۷۸</sup> وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ

بس مشهود\* و در شب بکن تهجد برآن، نفلی برای تو. باشد که کند بعث ترا

رَبِّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا<sup>۷۹</sup> وَقُلْ رَبِّ اُدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَّ

رب تو بمقام محمود\* و بگو ربم بکن داخلم بمدخل صدق و

اَخْرِجْنِيْ مَخْرَجٍ صِدْقٍ وَّاجْعَلْ لِّيْ مِنْ لَّدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا<sup>۸۰</sup>

بکن خارجم بمنخرج صدق و بساز برایم از نزدت سلطه نصیری\*

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ﴿٨١﴾

و بگو آمد حق و محو شد باطل. یقیناً باطل است محو شدنی\*

وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ

و میکنیم نازل از قرآن آنچه هست شفاء و رحمت برای مؤمنان و نکند زیاد

الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا ﴿٨٢﴾ وَإِذْ أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَ

برای ظالمان إلا خساره\* و چون کنیم نعمت بر انسان، کند اعراض و

تَابِعَانِيهِ ۚ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يُوسُفًا ۝۸۳ قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلٰی

پهلوی تهی کند ، و چون کند مس او را شر شود مایوس \* بگو کل میکند عمل بر

شَاكِلَتِهِ ۖ فَرَبُّكُمْ اَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ اَهْدٰی سَبِيْلًا ۝۸۴ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ

شکل خود. و رب شما دارد علم بر هر که شده هدایت بر سبیلی \* و میکنند سؤال از تو از

الرُّوْحِ ۖ قُلِ الرُّوْحُ مِنْ اَمْرِ رَبِّيْ ۚ وَمَا اُوْتِيْتُمْ مِّنَ الْعِلْمِ اِلَّا

روح. بگو روح است از امر ربم و نه داده بشما از علم الا

قَلِيلًا ۸۵ وَلَئِنْ شِئْنَا لَنَذْهَبَنَّ بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ

قلیلی \* و اگر خواهیم میریم از بین آنچه کردیم وحی بتو باز نمی یابی

لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكَيْلًا ۸۶ إِلَّا رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ

برایت برآن علیه ما وکیلی \* الا رحمتی از رب تو. یقیناً فضل او هست

عَلَيْكَ كَبِيرًا ۸۷ قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا

برتو بس کبیر \* بگو اگر جمع شود انس و جن برآنکه آرند

بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ

بمثل این قرآن نمی آرند بمثل آن ولو باشد بعضی آنها بر بعضی

ظَهِيرًا<sup>(۸۸)</sup> وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ

ظهیر<sup>۱</sup>\* و البته بیان کردیم برای مردم در این قرآن از کل مثال ها

فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا<sup>(۸۹)</sup> وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِكَ حَتَّىٰ تَنْجُرَ

مگر ابناء و رزید اکثر مردم إلا بکفر\* و گفتند نمی آریم ایمان بتو حتی دهی جریان

(۱) ظهیر: مددکننده، پشتیبان، کمک گر، مساعدت پیشه، یاری دهنده

لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا<sup>۹۰</sup> أَوْ تَكُونُ لَكَ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَعُ

برایما از زمین چشمه \* یا باشد برایت جنتی از نخل ها و

عِنَبٍ فَتُفَجِّرَ الْأَنْهَارَ خِلَالَهَا تَفْجِيرًا<sup>۹۱</sup> أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا

عنب ودهی جریان انهار خلال آن جریان کنان \* یا دهی سقوط آسمان را طور

زَعَمْتَ عَلَيْنَا كِسْفًا أَوْ تَأْتِي بَالِلِهِ وَالْمَلِئِكَةُ قَبِيلًا<sup>۹۲</sup> أَوْ يَكُونُ

زعم خود بر ما پارچه ها یا بیاری الله و ملائک را مقابلاً \* یا باشد

لَكَ بَيْتٌ مِّنْ رُّحُوفٍ أَوْ تَرُقَىٰ فِي السَّمَاءِ وَلَكِن نُّؤْمِنُ بِرُحْمِكَ

ترا بیتی از طلا یا کنی ارتقاء به آسمان. و نیاریم ایمان به ارتقاء تو

حَتَّىٰ تَنْزِلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَّقْرُؤُهُ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّيْ هَلْ كُنْتُ إِلَّا

حتیٰ کنی نازل بر ما کتابیکه کنیم قرائت آنرا. بگو سبحان به رب من آیا هستم الا

بَشَرًا رَّسُولًا ﴿۹۳﴾ وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ

بشری ارسال شده\* و نشد مانع مردم را که آرند ایمان، چون آمد برایشان هدایت،

إِلَّا أَنْ قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا ﴿٩٤﴾ قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ

إلا که گفتند آیا بعث کرد الله بشری را رسولی \* بگو اگر میبود در زمین

مَلَائِكَةٍ يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنزَلْنَاهُمْ مِّنَ السَّمَاءِ مَلَكًا

ملائک با اطمینان باز نازل میگردیم بر آنها از آسمان ملک را

رَسُولًا ﴿٩٥﴾ قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ

رسول \* بگو کافیت که الله باشد شاهد بین من و بین شما. یقیناً اوست بر عبادش

خَيْرٌ أَبْصِيرًا ﴿٩٦﴾ وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِّ فَلَنْ

خبیر بصیر \* وهر کرا کند هدایت الله باز اوست بر هدایت. وهر کرا کند گمراه باز نمی

تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِهِ ط وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى

یابی برای آنها اولیاء بدون او. و میکنیم حشر آنها را یوم قیامت بر

وَجُوهِهِمْ عُمِيَآ وَبُكْمًا وَصُمًّا ط وَأُولَئِكَ هُمُ الَّذِينَ كَانُوا يُرَىٰ لَهُمْ أَعْيُنُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَرَىٰ

روهای آنها کور و گنگ و کر. ماوا آنهاست جهنم. هر گاه بکاهد زیاد کنیم بر آنها

سَعِيرًا<sup>۹۷</sup> ذَلِكَ جَزَاءُ هُمْ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا إِذَا كُنَّا

شعله را \* اینست جزای آنها چون کفر کردند با آیات ما و گفتند آیا وقتی شویم

عِظَامًا وَرُفَاتًا إِنْ أَلْبَعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا<sup>۹۸</sup> أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ

استخوانها و فرسوده آیا ما باز میشویم بعث خلق جدید \* آیا نمی بینند که

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ

الله است آنکه خلق کرد آسمانها و زمین را قادر است بر آنکه کند خلق مثل آنها

وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَّا رَيْبَ فِيهِ فَاَبَى الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُورًا ﴿۹۹﴾ قُلْ

و ساخته برایشان اجلی، نیست شك در آن. پس اِباء و رزیدند مردم ظالم اِلا بکفر \* بگو

لَوْ اَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي اِذَا لَمْ تُسَلِّمُوا خَشِيَةً

اگر شما میبودید مالک خزائن رحمت ربم آنگاه میشدید ممسک از ترس

الانْفَاقِ وَكَانَ الْاِنْسَانُ قَتُورًا ﴿۱۰۰﴾ وَلَقَدْ اَتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ

انفاق. و هست انسان خسیس \* و البته دادیم به موسی نه آیات

بَيِّنْتِ فَسَأَلَ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ

روشن، بکن سؤال از بنی اسرائیل چون آمد برایشان، باز گفت اورا فرعون

إِنِّي لَأظُنُّكَ يَمُوسَىٰ مَسْحُورًا ﴿۱۰۱﴾ قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَمَا أَنْزَلَ هَؤُلَاءِ

من می پندارم ترا یا موسیٰ سحر شده \* گفت یقیناً علم داری که نکرده نازل اینهارا

الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتِ وَرَأَيْتَ بِصَآئِرٍ وَإِنِّي لَأظُنُّكَ يُفْرَعُونَ

الا، رب سماوات و زمین، بصیرتهائی. و من می پندارم ترا یا فرعون

مَثْبُورًا ۱۰۲ فَأَرَادَ أَنْ يَسْتَفِزَّهُمْ مِنَ الْأَرْضِ فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَنْ

تباه شده \* باز کرد اراده که برانند آنها را از زمین پس کردیم غرقش و هر که

مَعَهُ جَمِيعًا ۱۰۳ وَقُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا

همرایش، جمعاً \* و گفتیم از بعد او برای بنی اسرائیل کنید مسکن

الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جُنَّا بَكُمْ لَقِيفًا ۱۰۴ وَبِالْحَقِّ

بزمین وقتی بیاید وعده آخری میآوریم شمارا بهم آمیخته. \* و برحق

انزَلْنَاهُ وَيَا حَقُّ نَزَلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿١٠٥﴾

کردیم نازلش و برحق شده نازل. و نکردیم ارسال ترا الا مبشری و نذیری \*

وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مَكَّةٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا ﴿١٠٦﴾

و قرآن را تفریق کردیم تا کنی قرائت آنرا بر مردم با مکت و کردیم نازلش بتنزیلی \*

قُلْ اٰمِنُوْا بِهٖ اَوْ لَا تُؤْمِنُوْا اِنَّ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهٖ اِذَا

بگو ایمان آورید برآن یا نیاورید ایمان. یقیناً کسانی که داده شده اند علم از قبل آن وقتی

يُتْلَى عَلَيْهِمْ يُخْرُونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا ۱۰۷ وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا

شود تلاوت بر آنها می افتند به ذقنها بسجده \* و میگویند سبحان رب ما

إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا ۱۰۸ وَيَخْرُونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَ

یقیناً باشد وعده رب ما فاعل شدنی \* و می افتند بر اذقان بگریه و

يَزِيدُهُمْ خُشُوعًا ۱۰۹ قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَدْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا

میافزاید بر آنها خشوع را ۱ \* بگو کنید دعا به الله یا کنید دعا به رحمان. هر کدام را

تَدْعُوْا فَلَهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا

کنید دعا بازهم از اوست اسماء الحسنی. و نزن جهر نماز خود را و نکن

تُخَافُ بِهَا وَابْتَغِيْنَ ذَٰلِكَ سَبِيْلًا ۝ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

خفت بر آن و بگیر بین این راهی \* و بگو الحمد لله آنرا که

لَمْ يَخْذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيْكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ

نکرد اخذ ولدی و نیست برایش شریکی در پادشاهی و نیست

لَهُ وَلِيٌّ مِّنَ الذِّكْرِ وَكِبْرَةٌ تَكْبِيرًا ۝٤

اورا ولی ای از ذلت و یادکن کبریاء اورا بتکبیر \*